

تأثیرات و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای اعتراضات مردمی در رژیم صهیونیستی

دکتر محمد مهربان

هیئت علمی مرکز مطالعات منطقه‌ای
دانشگاه جامع امام حسین (ع)



اعتراضات مردمی رژیم صهیونیستی در واکنش به طرح اصلاحات قضایی بنیامین نتانیاہو، طی ماه‌های اخیر و تداوم این اعتراضات، توجه تحلیلگران و کارشناسان منطقه غرب آسیا را به خود جلب نموده است. شاید بتوان این پدیده که بی‌نظیرترین اعتراضات مردمی در تاریخ رژیم صهیونیستی است را پس از اسطوره شکست‌ناپذیری ارتش این رژیم، دومین اسطوره که مبتنی بر ثبات حداکثری داخلی آن است را، مهم‌ترین نشانه‌های ترک برداشتن پیکره سیاسی امنیتی رژیم صهیونیستی دانست. با این وصف، پدیده اعتراضات مردمی این رژیم، دارای پیامدهای قابل توجه منطقه‌ای و جهانی است که می‌تواند آینده بقا و دوام این رژیم را شکل دهد. این پیامدها در قالب گذارهای چندسطحی قابل فهم است. نوشتار حاضر درصدد اشاره به این گذارها و پیامدها است؛ بنابراین در ابتدا به بیان چستی موضوع می‌پردازد و در ادامه، ابعاد منطقه‌ای و جهانی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

گذار از دموکراسی شکننده به اقتدارگرایی

طی دهه‌های گذشته از عمر رژیم صهیونیستی، همواره این موجودیت به عنوان الگوی دموکراسی در منطقه غرب آسیا معرفی می‌شده است. این امر همان ریسمان پیوند میان دموکراسی‌های غربی با این رژیم بوده است و بنا بر ادعای آنان، مشروعیت بخش تمامی حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی از جانب دولت‌های غربی، نسبت به رژیم صهیونیستی بوده است.

در ادبیات اعتراضات اجتماعی، زمانی جامعه دست به بروز و ظهور اعتراضات می‌زند که تمامی مجاری و مسیرهای انتقال مطالبات و منویاتش به حاکمیت، دچار انسداد شده باشد و هیچ صدایی از جامعه در بدنه حاکمیت پژواک نداشته باشد. گرچه کشورهای توسعه‌یافته و دموکراتیک، دارای نهادهای مشارکتی هستند که مجرای انتقال خواست‌های جامعه به بدنه حاکمیت است اما وجود و تداوم اعتراضات اجتماعی، نشانه نوعی مسدودیت و ممانعت از نمایندگی واقعی مردم در درون این دموکراسی‌های ادعایی است؛ به تعبیری دیگر، در میانه انتخاب بین صندوق رأی (انتخابات) و خیابان (اعتراضات)، جامعه ناگزیر دست به انتخاب خیابان به عنوان مجرای کنشگری و فضای اثرگذاری می‌زنند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل طی سخنرانی خود در کنست، برای آغاز کار دولت جدیدش، چهار اولویت اصلی را فهرست کرده بود: «اول از همه بازسازی ایران؛ دوم استقرار دوباره امنیت و حاکمیت در داخل

اسرائیل؛ سوم رسیدگی به مسئله هزینه زندگی و مشکل مسکن؛ چهارم گسترش چشمگیر حلقه صلح».^۱ در حالی که هیچ اشاره‌ای به اصلاحات قضایی نکرده بود اما این طرح را در واقع می‌توان در ادامه هدف دوم وی یعنی استقرار دوباره امنیت و حاکمیت در اسرائیل قلمداد نمود. گرچه برای ارائه این طرح از سوی کارشناسان، دلایل گوناگونی بیان شده است (از جمله آنکه دست نظام قضایی از تعقیب قانونی متخلفان از جمله خود نتانیاهو قطع می‌گردد یا اینکه ائتلاف نتانیاهو با جریان‌های راست افراطی مذهبی، وی را به ارائه این طرح وادار نموده است) اما این طرح را نشانه‌ای از عزم جدی بخشی از نخبگان صهیونیستی برای تغییرات گسترده در توزیع قدرت از راه تغییرات نهادی دانست.

به عبارتی دیگر، شرایط متحول جهانی و منطقه‌ای و نیز چالش‌های داخلی رژیم صهیونیستی که منجر به نوعی بی‌ثباتی سیاسی گردید که در دست به دست شدن سریع دولت‌ها و برگزاری انتخابات خود را نشان می‌دهد، نخبگان راست افراطی را به این نتیجه رساند که در موقعیت کنونی، ایجاد ساختاری اقتدارگرا و محافظه‌کار، می‌تواند تضمین‌کننده بقای رژیم جعلی باشد.

در صورت پذیرش این دیدگاه، گذار از دموکراسی شکننده به سوی اقتدارگرایی محافظه‌کار، شکاف میان نخبگان سیاسی و امنیتی^۲، پارگی و گسست اجتماعی میان

1. <https://www.washingtoninstitute.org>

۲. این مورد هم در استعفای چهره‌های سیاسی و امنیتی و نیز موضع‌گیری‌های افراد سرشناس، قابل ردیابی است؛ برای مثال اعتراض وزیر سابق دفاع به اصلاحات قضایی و عزل وی از سوی نتانیاهو و یا استعفای برخی چهره‌های دیپلماسی رژیم صهیونیستی.

در این میان، اظهارات بتسلایل اسموتریچ، نماینده پارلمان و وزیر امور مالی اسرائیل از چهره‌های به شدت افراطی و تندرو مذهبی یهودی ملی‌گرای صهیونیست هم به تنش‌های میان دو طرف افزود. وی در سخنانی گفته بود: «معتقدم باید روستای حواره را محو کرد. معتقدم دولت اسرائیل باید این کار را بکند.» در پی این اظهارات، «تام نایدز» سفیر آمریکا در اسرائیل، خطاب به نتانیاهو گفته بود: «بهتر است ترمز کنید... بهتر است صبر کنید و مواضع طرف‌های مختلف را به هم نزدیک کنید».

با این پس‌زمینه، موضع دولت آمریکا نسبت به قانون اصلاحات قضایی و اعتراضات مردمی رژیم صهیونیستی، فصل جدید روابط این دو دولت را رقم زده است. جو بایدن طی سخنانی، از نتانیاهو خواست دست از پیگیری طرح تغییرات قضایی بردارد. او گفته بود نمی‌توان این راه را ادامه داد. نتانیاهو هم در واکنش گفته بود: اسرائیل کشوری دارای حاکمیت است و تصمیماتش ناشی از اراده ملتش است و نه فشارهای خارجی حتی وقتی از بهترین دوستانش باشد. وزیر امنیت داخلی اسرائیل (ایتمار بن گویر) هم گفت اسرائیل کشوری مستقل است و ستاره‌ای در پرچم آمریکا نیست.

در ادامه این موضع‌گیری‌ها، «یائیر» پسر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، توییتی را بازنشر کرد که مدعی است: «وزارت خارجه آمریکا تلاش می‌کند دولت نتانیاهو را سرنگون کند. به نظر می‌رسد این کار را به سود توافق با ایران انجام می‌دهد. کنگره آمریکا باید این موضوع را به صورت فوری بررسی کند»^۱. وزیر

نیروهای سیاسی - اجتماعی، سرکوب جامعه مدنی و امنیتی شدن بیشتر چهره اجتماعی سیاسی آینده، محتمل ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی است.

گذار از ارزش‌های مشترک به شکنندگی روابط

روند ظهور «اقتدارگرایی محافظه‌کار» در رژیم صهیونیستی و کاهش اعتبار دموکراسی شکننده آن، دارای پیامدها و اقداماتی در روابط، سیاست خارجی و منطقه‌ای آن نیز است. روابط رژیم صهیونیستی با ایالات متحده همواره راه یکسانی را طی نموده است؛ گرچه در برخی مقاطع تاریخی، دچار نوساناتی هم بوده است اما تلاش دو طرف برای حفظ روابط استراتژیک، محور دوام این رابطه بوده است.

پیش از موضع‌گیری دولت بایدن در قبال تحولات داخلی رژیم صهیونیستی، پرونده شهرک‌سازی، موضوع محوری دموکرات‌های آمریکایی، با جریان‌های راست در رژیم صهیونیستی بوده است. در مورد اخیر، در پی لغو بخش‌هایی از قانون «جدایی» توسط کنیست، وزارت خارجه آمریکا در اقدامی کم‌سابقه، «مایک هرتزوغ»، سفیر اسرائیل را به وزارت خارجه آمریکا احضار کرد. تصمیم کنیست در لغو بخش‌هایی از قانون جدایی سال ۲۰۰۵ میلادی، زمینه را برای بازگشت اسرائیلی‌هایی که پیش‌تر از شهرک‌ها در شمال کرانه باختری و نوار غزه خارج شده بودند، به این مناطق، فراهم می‌کند. در این ارتباط، وندی شرممن، معاون وزیر خارجه آمریکا در دیدار با سفیر رژیم صهیونیستی، نگرانی ایالات متحده از این اقدام تازه کنست را ابراز داشت.

و عمیق در پرونده‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی است و توان تمرکز و پرداخت هزینه‌های بیشتر برای جریان یاد شده در رژیم صهیونیستی را ندارد.

بازتاب‌های منطقه‌ای اعتراضات

اعتراضات مردمی در رژیم صهیونیستی، دارای بازتاب‌های منطقه‌ای در غرب آسیا بوده است؛ برای مثال مفسران رسانه‌ای در الجزایر، لبنان، سوریه، تونس، ترکیه و جاهای دیگر، اعتراضات را مقدمه‌ای بر «فروپاشی قریب‌الوقوع» اسرائیل توصیف کرده‌اند و برخی اعتراضات را «خارج از کنترل» دانستند و اختلافات داخلی را «همیشگی» خواندند. یک نویسنده در الجزایر خطاب به مردم و حاکمان منطقه توصیه کرد که: «بگذارید اسرائیل خود را نابود کند».

در قطر، شبکه الجزیره بر شکاف‌های فرضی در روابط آمریکا و اسرائیل تأکید کرد و اظهارات بایدن را «جدیدترین گام در برملا ساختن ایده «ارزش‌های مشترک» به عنوان افسانه بنیادی رابطه دو کشور» توصیف کرد.

مقاله دیگری، اعتراضات را «آغازی بر پایان» دولت نتانیاهودانست. اظهارات پیرامون «تضعیف» همبستگی اجتماعی - سیاسی در رژیم صهیونیستی حتی در کشورهایی که با رژیم تل‌آویروابط رسمی دارند، برجسته بود؛ برای مثال در امارات و اردن، کارشناسان، این بحران را «سقوط به فاشیسم و نژادپرستی» و نشانه‌ای از سرنگونی «اجتناب‌ناپذیر» دولت خواندند.

در مصر، احمد موسی، مجری محبوب تلویزیون طرف‌دار دولت، اظهار کرد که اسرائیل در نتیجه مجازات خدا، «در حال سوختن و فروپاشی» است. برخی دیگر از

دادگستری اسرائیل نیز طی اظهاراتی گفته بود دولت آمریکا از اعتراضات ضد دولتی در اسرائیل حمایت می‌کند. در فیلم فاش شده که توسط سایت اسرائیلی «والا» منتشر شد، وزیر دادگستری اسرائیل در صحبت با شماری از یهودیان می‌گوید: یکی از دلایل ناکامی در تصویب طرح اصلاحات قضایی، حمایت دولت آمریکا از اعتراضات بود. انعکاس این موضع‌گیری‌ها در تجمع حامیان دولت نتانیاهو و طرح اصلاحات قضایی و در قالب شعارهایی علیه آمریکا و شخص بایدن، خود را به تصویر کشید.

در واقع جریان اقتدارگرایی محافظه‌کار در رژیم صهیونیستی، در ارتباط با مهم‌ترین مؤتلف خود، چندین موضوع دشوار را در پیش روی خود دارد که در سطوح داخلی و منطقه‌ای جهانی قابل طرح است:

- حرم شریف / جبل‌المعبد؛
 - مسائل کرانه باختری و پیوست شدن آن به رژیم صهیونیستی؛
 - قانونی‌سازی آبادی‌ها؛
 - بازسازی شهرک «حومش» در شمال کرانه باختری؛
 - ساخت وساز فلسطینی‌ها در منطقه C؛
 - خشونت شهرک‌نشینان و کنترل پلیس؛
 - مسئله هسته‌ای ج.ا.ایران؛
 - موضع رژیم صهیونیستی در قبال پرونده اوکراین؛
 - روابط آینده با عربستان سعودی.^۱
- به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت داخلی جریان اقتدارگرایی محافظه‌کار، الگوی «ارزش‌های مشترک» میان این رژیم و واشنگتن، دچار فرسایش قابل تأملی خواهد شد. ایالات متحده دچار چالش‌های جدی

1. <https://www.washingtoninstitute.org>

کاربران توئیتر هم این عقیده را تکرار کردند. در هفته بعد از تصمیم نتانیاهاو برای تعویق بازسازی قضایی پیشنهادی اش، هشتگ #Israel.Lis.eroding (اسرائیل روبه زوال است)، بیش از ۱۲۵۰۰ بار در شبکه های اجتماعی استفاده شد.

در تلاش تل آویو برای انحراف افکار عمومی، یورش به مسجد الاقصی، منجر به محکومیت های مستقیم بیشتری شد. اتحادیه عرب، بعد از تشکیل یک جلسه اضطراری به درخواست اردن، با صدور بیانیه ای «جنایات اسرائیل علیه نمازگزاران بی دفاع مسلمان» را محکوم کرد و درباره تشدید بالقوه تنش ها هشدار داد. بیانیه های وزرای خارجه بحرین، مصر، اردن و امارات هم این یورش را محکوم کرد و برخی از آن ها خواستار آن شدند تا دولت اسرائیل، از تنش افزایی دوری کند و به تولید امان بر این مکان مقدس احترام بگذارد. موضع جهان عرب نسبت به تحولات داخلی رژیم صهیونیستی، در بسته ای پیچیده، قابل فهم است. از سویی در طرف حاکمان و مسئولین، تا جایی که مقدور بوده است، از موضع گیری در مورد اعتراضات مردمی، دوری نموده اند و موضع گیری ها بیشتر در سوی نیروهای اجتماعی، قابل ردیابی است.

این مسئله شاید به دلیل آن باشد که هر نوع تحرک سیاسی اجتماعی در منطقه غرب آسیا، قابل تسری به مناطق مجاور نیز است. تجربه انقلاب های عربی، تأییدی بر این مدعا است. در این مورد، گره خوردن روابط سیاسی برخی دولت های عربی با رژیم صهیونیستی طی سال های اخیر، امکان بیشتری برای تسری ناآرامی های داخلی رژیم صهیونیستی به دولت های نام برده را دارا است.

از سویی دیگر، دولت ها و مقامات عربی نسبت به تحرکات رژیم در قبال مسئله فلسطین و بیت المقدس، تحرکاتی را از خود، نمایش می دهند تا از سویی مانع از شکل گیری این باور در اذهان عمومی شوند که دولت های عربی نیز در ماجرای فلسطین، هم داستان تل آویو هستند و هم به مانند سد بندی، در مقابل احتمال سرایت اعتراضات به داخل کشورهای خود عمل کنند.

نتیجه گیری

اعتراضات مردمی در سرزمین های اشغالی، نشانه ای مهم در گذارهای چندگانه و در سطوح چندگانه است. در سطح داخلی، رژیم صهیونیستی با چالش های نوینی روبه رو شده است که نتانیاهاورا بر آن داشت تا به استقرار دوباره امنیت و حاکمیت مبادرت کند. در واقع، مسئله امنیت همچون زیرساخت وجودی یک دولت و حاکمیت، مانند سازوکارهای تولید امنیت و کارآمدی، دو متاع گمشده رژیم صهیونیستی است که برای دستیابی به آن ها، تغییرات عمیق و گسترده ای در شرف وقوع بود و در آینده واقع خواهد شد. این تغییرات در رژیم صهیونیستی، ماهیت آن را از دموکراسی شکننده موجود، به اقتدارگرایی محافظه کارانه بدل می نماید و شکاف های عمیقی بر پیکره موزاییکی آن وارد می کند.

در سطح راهبردی، این تغییرات ساختاری که به تغییرات ماهوی سرایت خواهد کرد، اثرات خود را بر روابط رژیم صهیونیستی با ایالات متحده گذاشته است و در آینده، از تداوم و تعمیق بیشتری برخوردار خواهد شد. اگر تاکنون مسئله شهرک سازی به عنوان



بلوک آمریکا قابل مشاهده است. این موضوع شاید در سایه ائتلاف‌های جدید و میل به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی قابل مدیریت بود اما باتوجه به تحولات جاری در سرزمین‌های اشغالی و تلاش تل‌آویو برای تنش‌آفرینی با هدف منحرف‌سازی بحران‌های داخلی، در صورت عدم گرفتن موضع به‌ویژه در مورد پرونده فلسطین، امکان سرایت بحران‌های داخلی رژیم صهیونیستی به داخل کشورهای عربی دارای روابط حسنه با تل‌آویو، قابل انتظار است.

اینکه فضای موجود تا چه میزان به عنوان فرصتی برای کشورهای مقاومت، قابل محاسبه است، موضوع بغرنجی است. به نظر می‌رسد با به هم خوردن موازنه‌ها در منطقه، افزایش حضور نظامی اخیر آمریکا در منطقه خلیج فارس قابل فهم‌تر است. تلاش نظام سلطه در ایجاد بیشترین ممانعت برای بهره‌برداری محور مقاومت، از فضای ایجاد شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد احتمال تشدید تنش‌ها در منطقه، در صورت عدم مدیریت صحیح فضای موجود، دوازده انتظار نباشد.

موضوع مورد مجادله میان واشنگتن - تل‌آویو تلقی می‌شد، زمین‌پس با گره خوردن این پرونده با مقوله تغییرات ساختاری - حقوقی در رژیم صهیونیستی (باتوجه به این نکته که تغییرات نهادی - حقوقی، در مورد پرونده فلسطین و شهرک‌سازی‌ها هم دارای تبعات حقوقی خواهد بود)، با موضوعات حل‌نشده بیشتری، این راه را طی خواهند کرد.

البته قهر عاطفی عمیقی رخ نخواهد داد اما باید توجه داشت که ایالات متحده با موضوعات گوناگونی دست‌وپنجه نرم می‌کند که علاوه بر آنکه از رژیم صهیونیستی توقع تنش‌آفرینی جدیدی ندارد بلکه توقع همراهی و کمک بیشتری دارد؛ مانند پرونده اوکراین که رفتار دوگانه تل‌آویو، موجبات دل‌سردی و ناراحتی واشنگتن را فراهم آورده است. بدیهی است که توقع واشنگتن در این دوره، دست‌گیری رژیم صهیونیستی از آمریکا است؛ نه مانع‌تراشی مضاعف.

در سطح منطقه‌ای نیز با عدم تمایل یا عدم توانایی واشنگتن در حل موضوعات منطقه‌ای، نوعی از سرگردانی و حیرانی در روابط خارجی کشورهای عربی به ویژه در